

### گرگ واتسون<sup>۱</sup>

از آنجا که موضوع عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای نیز ناپذیرتر به نظر می‌رسد، دولت آمریکا دوره فعلی را بهترین و آخرین فرصت برای سوق دادن ایران به سمت خواسته‌های خود می‌بیند. اما در حال حاضر، حمله آمریکا به ایران احتمالاً نه تنها تعهد ایران به محدود کردن توسعه تکنولوژی هسته‌ای را تضمین نمی‌کند، بلکه آن را بیش از پیش به سمت سازمان همکاری شانگهای حرکت می‌دهد. جاییکه آمریکا دیگر هرگز نمی‌تواند نفوذ قابل ملاحظه‌ای را بر آن اعمال کند. بنابراین ایران بی‌طرف نبودن در نظم جهانی چندقطبی در حال ظهور را برگزیده است؛ درحالیکه تردید در مورد وضعیت آینده سازمان همکاری شانگهای باقی است، عضویت در بخش امنیتی این سازمان واقعاً می‌تواند حاصل شود، اما عقل حکم می‌کند که میزان تعهدات بالقوه ایران محتاطانه باشد. عضویت کامل این کشور در سازمان مذکور را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ سیاست امنیتی و خارجی این کشور پس از انقلاب اسلامی دانست.

یک حکومت ایرانی، در شرایط رویارویی دائمی با ارتش‌های خارجی از سمت غرب و جنوب، در جستجوی تکنولوژی و امنیت از سمت شمال و شرق کشورش می‌باشد. سال ۶۴۹ میلادی در دوران ساسانیان، ایران که پس از قرن‌ها رویارویی پیوسته با امپراتوری‌های بیزانس و روم ضعف شده بود، با تهاجم اعراب روبرو گشت. فرمانروای ایران، یزدگرد سوم، برای تقویت کشورش به آسیای مرکزی چشم دوخت و پسرانش در جستجوی کمک نظامیان و ژنرال‌های چینی درگاه امپراتوری پادشاهی واحد<sup>۱</sup> برای حفظ امنیت قلمروشان بودند. (۱) اکنون سال ۲۰۰۶ است و جمهوری اسلامی با تلاش مصمم قدرت‌های غربی (به تحریک ایالات متحده) در جهت محدود

۱. Greg Watson (دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران)، خلاصه این مقاله در چهاردهمین سمینار سالانه آسیای مرکزی و قفقاز ارائه شده و متن کامل آن اختصاصاً برای فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز تهیه و ارسال شده است. متن انگلیسی توسط خانم فاطمه سلطانی به فارسی ترجمه گردیده است.

ساختن ظرفیت توسعه تکنولوژی هسته‌ای اش روبروست. ظاهراً تحت تهدید دائمی حمله قریب‌الوقوع رئیس‌جمهور آمریکا، که ایران را مهمترین چالش عقیدتی خود می‌داند، جمهوری اسلامی بار دیگر به چین نظر دارد، جائیکه یک سازمان بین‌دولتی منطقه‌ای در حال تشکیل است که وعده دارد ایران را برای همیشه "از تهدید غرب" رهایی بخشد.

این سازمان، "سازمان همکاری‌های شانگهای"<sup>(۲)</sup> است که ظرف ۵ سال پس از سال ۲۰۰۱ به سرعت تبدیل به یک سازمان امنیتی منطقه‌ای بالقوه قدرتمند شده است.<sup>(۳)</sup> دو ستون اصلی این سازمان روسیه باخیز، به رهبری ولادیمیر پوتین، و یک چین سرمایه‌دار همیشه قدرتمند می‌باشند. جمهوری‌های آسیای مرکزی پس از شوروی (به استثنای ترکمنستان) اعضای کامل آن و تعدادی از کشورهای اطراف آنها (از جمله ایران که در اجلاس سران ۲۰۰۵ با استقبال گرمی روبرو گشته و به نظر می‌رسد در آینده‌ای قابل پیش‌بینی به عضویت کامل آن درآید)<sup>(۴)</sup> ناظرین این سازمان را تشکیل می‌دهند. سازمان مذکور می‌تواند بخش مهم ترکیب‌بندی مجدد و رو به گسترش اتحادهای استراتژیک باشد که منادی پایان عصر تک قطبی بعد از جنگ سرد است. تصمیم به پیوستن به این سازمان یکی از مهمترین تصمیمات سیاست خارجی ایران از زمان انقلاب اسلامی تلقی می‌گردد. اما ایران در حال عضویت یافتن در چه نهادی است و این عضویت چه تعهداتی را در آینده به همراه خواهد داشت؟ سازمان همکاری‌های شانگهای هنوز یک اتحاد نظامی رسمی نیست؛ اما به وسیله چینی که مشتاق تشکیل ماهرانه یک جامعه بین‌المللی موافق با سیاست‌هایش در قبال تایوان، نقض‌انرژی و درآینده‌ای دورتر، موافق با فرضیه اجتناب‌ناپذیر نقش رهبری جهانی بیشتر برای کشور می‌باشد، به آن سمت در حال حرکت است. چنین اتحادی چگونه عمل کرده و ایران چه نقشی در آن ایفا خواهد کرد؟ این مقاله سعی دارد با بررسی انتخاب‌های جمهوری اسلامی در جو ژئواستراتژیکی جهان در حال تغییر (خصوصاً محیط منطقه‌ای آسیای مرکزی) و فرصت‌هایی که عضویت در یک سازمان در حال نمو برای افزایش امنیت خارجی به ایران ارائه می‌کند یک چشم‌انداز ایرانی را مورد تفسیر قرار دهد.

همچنین به محدودیت‌های عضویت در سازمان مذکور (مانند انتظارات اعضای دیگر) نیز پرداخته و از یک نمونه مقایسه‌ای تاریخی برای اخطار در مقابل خوش بینی بیش از حد استفاده می‌کند.

## مفاهیم و تعاریف

سازمان همکاری شانگهای با امضای پیمان شانگهای در تاریخ ۱۵ ژوئن ۲۰۰۱ رسماً تشکیل شد. وظیفه اصلی این سازمان از آغاز، ایفای یک نقش امنیتی بود. پیمان مذکور خود یک "سند امنیت جمعی واقعی" تلقی می‌شود.<sup>(۵)</sup> اصطلاح "امنیت مشارکتی"، تنها از زمان پایان جنگ سرد، به‌طور منظم به کار گرفته شد تا جوامع امنیت جمعی به گونه‌ای ایجاد شده و عمل کنند که کمتر از زمان جنگ سرد تحریک‌آمیز باشد. "می‌هالکا" آن را به این صورت تعریف می‌کند: "تلاش‌هایی پایدار، در جهت کاهش خطر جنگ، که علیه کشوری خاص یا ائتلافی از کشورها جهت‌گیری نمی‌شود."<sup>(۶)</sup> واضح‌تر این که، سازمان همکاری شانگهای (هنوز) یک سازمان دفاع جمعی نیست، اگرچه هم امنیت جمعی و هم دفاع جمعی "تعهدی رسمی و دراز مدت میان گروهی از کشورها، برای حمایت از منافع امنیتی تک تک افراد در حوزه‌های مشترک آنها" محسوب می‌شوند.<sup>(۷)</sup> اما یک سازمان امنیت جمعی کانون توجهش به داخل آن می‌باشد، و سعی دارد امنیت میان کشورهای عضو و داخل آنها را تقویت کند؛ و سازمان دفاع جمعی، به عکس برخارج از سازمان متمرکز بوده و به دفاع از اعضای در مقابل تجاوزهای خارجی می‌اندیشد.<sup>(۸)</sup>

عضویت در سازمان همکاری شانگهای: تصمیم تاریخی سیاست امنیتی و

## خارجی ایران

سازمان همکاری شانگهای پیشنهاد چینی‌ها بود که روسیه، به دلایل خاص خود، فعالانه آن را مورد حمایت قرار داده است. در حال حاضر، این سازمان در جهت هماهنگی

واکنش‌های منطقه‌ای نسبت به تهدیدهای تروریستی، تجزیه‌طلبی و افراط‌گرایی که کشورهای عضو با آنها روبرو هستند می‌کوشد؛<sup>(۹)</sup> اگرچه مشتاق است درآینده تبدیل به یک سازمان منطقه‌ای بسیار فراگیرتر با وظائف اقتصادی، فرهنگی و شاید نظامی شود. ماهیت بلندپروازی برنامه‌های سازمان باعث شده تا اکثر نویسندگان آن را مهم شمارند. در عین حال، بسیاری از کارشناسان اظهار نظر طفره رفته و معتقدند برای قضاوت صریح در مورد این که این گروه تبدیل به چگونه سازمانی خواهد شد بسیار زود است. سرعت حیرت‌انگیز دگرگونی آن طی پنج سال گذشته هم مؤید تعهد اعضای آن به عمل است و هم میزان کارایی آن را به عنوان ابزار امنیتی و سیاست خارجی می‌رساند. روسیه و چین هر دو مایلند سازمان مذکور را دستور کار مواضع دفاعی و امنیتی آینده و کانالی برای نیل به آرزوهای منطقه‌ای خود قرار دهند. تصمیم ایران برای پیوستن به سازمان همکاری شانگهای نقطه عطفی به شمار می‌آید. این اولین جامعه امنیتی چند جانبه واقعی است که ایران بعد از انقلاب اسلامی به آن ملحق خواهد شد. این موضوع حاکی از این است که ایران انتظارات بالایی از قابلیت‌های آینده این سازمان و توانایی آن در توسعه جو امنیتی این کشور دارد. یک سؤال ساده این است که اگر سازمان مذکور، عمدتاً یک سازمان امنیت جمعی است چگونه می‌تواند امنیت ایران را توسعه بخشد؛ درحالی‌که نگرانی اصلی این کشور دفاع علیه تجاوز خارجی می‌باشد؟ و سؤال اصلی اینجاست که آیا سازمان همکاری شانگهای چنان رشدی می‌یابد که بتواند به اندازه کافی و مناسب نیازهای امنیتی ایران را برآورده سازد؟ اهمیت این تصمیم را نباید کم دانست. پس از عضویت، لغو آن مشکل بوده و مسئولیت‌های طاقت‌فرسایی مانند تهدید اختیارات سیاست خارجی در یک زمان بحرانی خاص، را بر ایران تحمیل می‌کند. این تصمیم به عضویت، بازتابی از اضطرارهای ژئواستراتژیکی امروز است اما در عین حال پایه مفهومی و مأموریت کلی سازمان همکاری شانگهای همچنان نامشخص است<sup>(۱۰)</sup>؛ در این مورد تردیدهای بسیاری وجود دارد.

## جواستراتژیک در حال تغییر

سازمان همکاری شانگهای می‌تواند بخشی از گسترش ترکیب بندی مجدد اتحادیه‌های استراتژیک باشد که شاید بتوان آن را نماد پایان عصر تک قطبی بعد از جنگ سرد داشت. بسیاری از نویسندگان آمریکایی عضویت ایران در سازمان مذکور را تأیید نهایی این موضوع می‌دانند که این سازمان "بسیار دقیق و ماهرانه در حال تبدیل به یک وزنه تعادل ژئوپلیتیکی در مقابل ایالات متحده" است.<sup>(۱۱)</sup> طراحان سیاسی در واشنگتن اکنون روسیه را "بازنده" دانسته و همینطور، با محکم شدن توافق تکنولوژی هسته‌ای مهم هند با آمریکا، دوستی دیرینه ایران با هند را مختومه می‌دانند. اما سیستم جدید جهانی و اتحادیه‌های آن را نباید با تفاوت‌های عقیدتی مشخص کرد (حداقل نه به آن صورت که الفاظ زمان جنگ سرد نشان می‌دادند). سازمان همکاری شانگهای می‌تواند به یک گروه امنیتی از نظر اقتصادی سرمایه‌دار تبدیل شود که بسیاری از اعضای آن را دموکراسی‌های متعصب (مخالفت اصول آزادی) تشکیل داده و توافقنامه حاکم بر آن بر عدم انتقاد از سیاست‌های داخلی یکدیگر (مانند آنچه در آسه‌آن وجود دارد) دلالت داشته باشد. آنها با تلاش در کنار هم می‌توانند جوی را بوجود آورند که دولتهایشان را از فشارهای لفظی و عملی قدرتهای خارج از منطقه در امان دارد. خواسته‌های امنیتی و اقتصادی منطقه‌ای ایران تاکنون در سازمان همکاری اقتصادی (اگو)، مستقر در تهران، تأمین شده است. اگرچه ایران دارای موقعیت بسیار پر نفوذی در اگو می‌باشد، اما دلایل چندی وجود دارد که چرا این سازمان در حال از دست دادن توانمندی‌اش به عنوان یک ابزار سیاست خارجی می‌باشد. کوچکترین دلیل آن جوانی و توان و قدرت سازمان همکاری شانگهای است که بیم آن می‌رود تا بسیاری از وظائف (به ویژه اقتصادی) را که تاکنون در حیطة عمل اگو قرار داشته برعهده گیرد. ترکیه نیز یک عضو روز به روز مردتر اگو محسوب می‌شود چرا که جهتگیری استراتژیک، اقتصادی و سیاسی آن به سوی آمریکا و اروپا است. اکنون که ترکیه وارد مذاکرات با اتحادیه اروپا شده است، فسخ همه توافقنامه‌هایی که به سختی در اگو به تصویب رسیده (از جمله ویزای آزاد

سه ماهه برای ورود ایرانیان به ترکیه) با عجله این کشور برای ورود به اروپا فقط به زمان بستگی دارد. زمینه‌های ژئواستراتژیکی نیز در جمهوریهای آسیای مرکزی، در حال تغییر جهت دادن از سمت اکو می باشد. همانطور که قزاقستان وارد توافقنامه‌های دوجانبه با یک روسیه و چین تجدید هیأت یافته می شود، بقیه کشورهای آسیای مرکزی نیز این مسیر را تعقیب خواهند کرد. سازمان همکاری شانگهای در ایفای نقش ترویج همبستگی اقتصادی در منطقه، از سازمان قدیمی تر اکو فعالتر بوده است. شاید این سازمان، بتواند به آنچه اکو نتوانسته دست یابد، نایل آید (مانند پیشرفت سریع در برداشت موانع موجود برای تجارت و سرمایه گذاری، افزایش تجارت بین منطقه‌ای، حرکت‌های آزادانه تر کار و انتقال تکنولوژی، و بقیه موارد دیگر) با حمایت فعال چین و روسیه آینده روشنی در پیش روی این سازمان قرار دارد. این موضوع ایران را با انتخاب مهمی روبرو ساخته که احتمالاً مواضع سیاست خارجی و اتحادهای این کشور را برای یک نسل دیگر و شاید بیشتر از آن تعیین خواهد کرد. با در نظر گرفتن واقعیت‌های بین‌المللی فعلی، قبل از هر چیز نیاز دولت ایران به حفظ امنیت این کشور در مقابل تهدیدهای خارجی، پیوستن آن به سازمان همکاری شانگهای را تحریک می‌کند. در ضمن این امر مانع بازماندن ایران از برخورداری از منافع اتحاد اقتصادی (که با عضویت در یک گروه منطقه‌ای مهم به وجود می‌آید) می‌شود. عضویت نهایتاً می‌تواند ایران را با چین و روسیه متحد کند؛ سناریویی که می‌تواند از قدرت تهدید آمریکا علیه ایران بسیار کاسته و در عین حال روابطی را ایجاد کند که آزادی عمل آینده ایران را محدود سازد. یک چیز کاملاً مشخص است، درحالی‌که ایران به زیر سایه امنیتی روسیه و چین پناه می‌برد، قدرت آمریکا در خلیج فارس و آسیای مرکزی کاهش خواهد یافت. پیوستن به سازمان همکاری شانگهای منادی حرکت فکری و روانی ایران به سمت شرق بوده و تحولات ساختاری مهمی در اقتصاد جهانی ۲۰ سال گذشته و نیاز ایران به سازگاری خود با آنها را تصدیق می‌کند.

## ویژگی‌های سازمان همکاری‌های شانگهای: این سازمان در حال حاضر چیست و چه خواهد شد؟

این سازمان سعی دارد چیزی بسیار فراتر از یک جامعه امنیتی باشد. البته باید تصریح کرد که در حوزه امنیتی، از جمله ایجاد ساختار ضد تروریستی منطقه‌ای (RATS) مستقر در تاشکند، بیشترین فعالیت را داشته است، سازمان مذکور علاوه بر پیشبرد ارتقاء توسعه و تسهیل اتحاد اقتصادی، مایل است فعالیت‌هایش را به سمت ترغیب و آغاز مبادلات فرهنگی گسترش دهد. از یک نقطه نظر انتقادی، این فعالیت در حوزه‌های متعدد طراحی می‌شود تا سازمان همکاری‌های شانگهای را در مراحل بحرانی تحولاتش، "همه چیز برای همه"، به جایی برساند که تمام کشورهای عضو احساس کنند بدون تحمل هیچ مسئولیت دشواری، به اولویت‌های متفاوت خود دست خواهند یافت. در عین حال، این استراتژی به رفع سوءظن موجودیتهایی که شاید تصور کنند با ظهور سازمان همکاری‌های شانگهای منافعی به خطر می‌افتد کمک می‌کند؛ همچنین در دراز مدت در ترویج این عقیده نیز مؤثر خواهد بود که یک اشتراک منافع طبیعی در میان خود اعضا وجود دارد. آشکارترین نمونه انعطاف قدرت جدید سازمان همکاری‌های شانگهای در ژوئیه ۲۰۰۵ هنگامی رخ داد که اعضای آن در اجلاس آستانه، از آمریکا خواستند جدول زمانی مشخصی برای خروج نیروهایش از این منطقه اعلام کند چرا که معتقد بودند عملیات اصلی ضدشورش در افغانستان به پایان رسیده است. آمریکاییها متعاقباً، مجبور شدند پایگاه نظامی خود در مناس (ازبکستان) را جمع کرده و در مورد توافقنامه استفاده از تسهیلات در قرقیزستان دوباره با این کشور وارد مذاکره شوند. این پیشنهادی از طرف ازبکستان بود و "تولیپوف" آن را این‌گونه تفسیر کرد که زمانی، در ابتدا "چین بسیار مشتاق به اثبات محاسن طرح جدید خود بود و کشورهای آسیای مرکزی بسیار محتاط‌تر... اکنون چین محتاط‌تر شده و کشورهای آسیای مرکزی مشتاق‌تر به نقش این سازمان به نظر می‌رسند."<sup>(۱۲)</sup> این نشان دهنده روندی است که کشورها از طریق آن کاربرد یک سازمان جدید را یافته و به سمت تعهد کامل خود به آن کشیده

می‌شوند. نظارت هوشیارانه و محتاطانه چین بر سازمان را می‌توان تلاشی در جهت ترساندن به حق رقبای ژئواستراتژیک و همچنین علامت منافع واقعی‌ای که سازمان مذکور می‌تواند برای اعضای جدیدترش حاصل آورد، دانست. در رابطه با ایران، چنانچه طرحی برای توسعه سازمان همکاری شانگهای وجود داشته باشد، به خاطر مقابله با یکجانبه‌گرایی آمریکا که بسیاری از محاسبات ژئوپلیتیکی اطراف جهان را برهم زده، باید جدول زمانی پکن را جلو انداخت. احتمالاً یکی از آشکارترین عواقب این امر "اقدام سریع" عضویت کامل ایران با ترغیب چین خواهد بود. ایران در محاسبات امنیت انرژی چین، از اهمیت بالایی برخوردار بوده و به دنبال تهاجم سال ۲۰۰۳ آمریکا به عراق متعاقباً لفاظیهای تحریک‌آمیز واشنگتن علیه ایران، مصلحت این خواهد بود که قبل از زمان تعیین شده نوعی حمایت امنیتی برای ایران ارائه گردد که در عین حال می‌تواند به عنوان پیام هشدار به واشنگتن عمل کند. پیام این است که چین دیگر با خونسردی در مسیر سیاستهای این دولت پیش نمی‌رود (سیاستهایی که چین معتقد است برای ایجاد یک نظم جهانی نه چندان مطلوب برای آرزوهای این کشور - یعنی یک نقش رهبری جهانی بزرگتر برای آینده - طراحی شده).

اما "ژاوهاشنگ" مانند بسیاری از نویسندگان چینی، با تلاش برای رفع هرگونه احساس تحریک‌کننده، می‌نویسد: "سازمان همکاری شانگهای ایران را برای تحریک ایالات متحده به عنوان کشور ناظر سازمان نپذیرفت بلکه صرفاً به این خاطر با پذیرش آن موافقت کرد که مشارکت این کشور می‌توانست برای توسعه سازمان در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، حمل و نقل و... مؤثر باشد."<sup>(۱۳)</sup> انگیزه دیگری که چین را به حمایت از صعود ایران وامی‌دارد این عقیده احتمالی است که محبوس ساختن ایران در چنین سازمانی "به روسیه و چین اجازه می‌دهد نفوذ بیشتری بر سیاست خارجی ایران، یا به عبارتی، جهان اسلام داشته باشند."<sup>(۱۴)</sup> آیا ایران تبدیل به ندای چین و روسیه در جهان اسلام خواهد شد؟ در این زمینه چین امید چندانی ندارد.

آنچه ایران، بطور ایده‌آل، از سازمان همکاری شانگهای می‌خواهد راه‌گزینی از مسئله



غامض امنیت خارجی آن است- چگونه می‌تواند بدون سازش در مورد آزادی عمل بین‌المللی‌اش، تهدیدهای آمریکا را کاهش داده یا از بین ببرد. این امر تنها در صورتی تحقق می‌یابد که سازمان مذکور نوعی ضمانت امنیتی با ارزش به ایران بدهد. اگر چین الهام بخش مسیر سازمان همکاری شانگهای می‌باشد، آن را به چه جهتی سوق خواهد داد؟ اولویت چین ظرف ۵ سال، ۱۰ سال و ۲۰ سال آینده برای سازمان مذکور چیست؟ بسیاری از متفکران آمریکایی افزایش تنش‌های چین و آمریکا را در زمان فعلی آغاز پویائیهای انتقال قدرت می‌دانند. ایالات متحده در حال حاضر سعی دارد، علاوه بر توسعه اتحاد‌های جدید با کشورهای جنوب آسیا، به تحکیم و مؤثر ساختن اتحاد‌های موجود خود در آسیای شرقی و جزایر جنوب، مرکز و غرب اقیانوس آرام بپردازد. اکنون چین چه انتظاراتی از سرکایش در سازمان همکاری شانگهای دارد؟ به نظر می‌رسد حداقل توقع آن حمایت سیاسی بدون تزلزل در صحنه‌های بین‌المللی می‌باشد. آیا ایران حاضر است این مسیر را طی کند؟ بسیاری از کارشناسان ایرانی در این مورد مطمئن نبوده و بر این اعتقادند که منافع ملی ایران (به جز موضوعات عقیدتی) اساساً منطبق بر منافع ایالات متحده در خاورمیانه می‌باشد. این نظر بیانگر تداوم جهت‌گیری نسل اول متفکران استراتژیک ایرانی (پس از جنگ جهانی دوم) به سوی جنوب و غرب می‌باشد. اما در حالیکه واقعیات اقتصادی جهان تغییر کرده و امنیت خارجی ایران همچنان تحت فشار است، منطق تصمیم پیوستن به سازمان همکاری شانگهای- اولین اجتماع امنیتی از زمان انقلاب، با همه تعهداتی که ممکن است در آینده در برداشته باشد- آشکارتر و بلامنازعه‌تر خواهد شد. (۱۵)

### سازمان همکاری شانگهای، یک اتحاد نظامی؟

پوتین، رئیس جمهور روسیه، در ژوئیه سال ۲۰۰۵ در اسکاتلند، علناً نظر روسیه را چنین اعلام کرد که نقش امنیتی اصلی سازمان همکاری شانگهای- دادن حمایت سیاسی و روحیه‌ای به اعضایش و تسهیل تبادل اطلاعات- می‌باشد. (۱۶) او به وضوح یک نقش اتحاد نظامی

به سازمان مذکور را غیرمحمول شمرد. بنابراین، درحالیکه ترتیبات امنیتی مشترک جاری در سازمان همکاری شانگهای، علاوه بر دیگر وظائف متفاوت آن، مناسب همه اعضا و جذاب برای کشورهای ناظر به نظر می‌رسد، در مورد چگونگی توسعه و گسترش بیشتر سازمان مخالف وجود دارد. یکی از سؤالاتی که بیش از همه در اذهان ناظران غربی باقی مانده سؤالی است که پوتین سعی کرد در سال ۲۰۰۵ به آن پاسخ دهد: آیا سازمان همکاری شانگهای به یک اتحاد نظامی (یک سازمان دفاع جمعی) تبدیل خواهد شد؟ تمایل به اجتناب از اینکه سازمان مذکور تعهدی دشوار و تحمیلی برای اعضایش و همچنین تهدیدی برای قدرتهای خارجی به شمار آید، تا این زمان دلیلی بوده است که چینی‌ها استراتژی دراز مدت خود را برای این سازمان مبهم نگه داشته‌اند. ایجاد احساس هدف مشترک و اجتماع طبیعی که برای سازمانهای بین دولتی پایدار ضروری است زمان زیادی لازم دارد. اما سیاست‌های بعد از سال ۲۰۰۱ دولت بوش، مجدداً به سوءظن‌ها در مورد مقاصد آمریکا در روسیه، چین و جمهوری‌های آسیای مرکزی دامن زده، و محرکی قدرتمند را برای اعمال توازن قدیمی در میان این رقبای استراتژیک سابق فراهم آورد. این واقعیت منطق نهفته در توجه نویسندگان متعدد آمریکایی به سازمان همکاری شانگهای به عنوان یک اتحاد نظامی بالقوه مانند "پیمان ورشو" را آشکار می‌کند.<sup>(۱۷)</sup> توصیف سازمان همکاری شانگهای به عنوان پیمان ورشوی آینده به این منظور صورت گرفته تا عکس‌العمل احساسات عمومی آمریکا استنتاج شود نه اینکه به تحلیلهای خونسردانه کمک کند.<sup>(۱۸)</sup> اما با در نظر گرفتن این که چین رقیب استراتژیک آمریکا باقی خواهد ماند (خط مشی سیاسی دولت آینده ایالات متحده هرچه که باشد) می‌تواند انگیزه خوبی برای ایجاد ماهرانه یک جامعه امنیتی با قابلیت تبدیل شدن به یک وزنه تعادل اتحاد نظامی کامل در آینده باشد. همچنین بیانیه‌های عمومی چین و روسیه کاملاً نیاز به یک نظم جهانی چند قطبی دارد نه جهان تک قطبی‌ای که آنها می‌دانند اکنون وجود دارد.<sup>(۱۹)</sup> اما، در حال حاضر از نظر دیپلماتیک برای چین یا روسیه مصلحت نیست که درگیر یک برنامه سیاسی به وضوح ضدآمریکایی شوند.<sup>(۲۰)</sup> به هر جهت از

دید یک ایرانی پرداختن به اینکه اتحاد نظامی سازمان همکاری شانگهای چگونه خواهد بود و ایران در آن چه نقشی خواهد داشت حائز اهمیت است. ما باید در ابتدا ویژگی‌های این سازمان و اعضای آن را درک کنیم. به خاطر داشته باشید که تنها دلیل پدید آمدن چنین اتحادی درک یک هدف و یک تهدید خارجی مشترک است. و اگر واقع بین باشیم این هدف و تهدید تنها می‌تواند آمریکا باشد. البته پذیرش این موضوع نیز منطقی است که تشکیل این اتحاد تا حدودی می‌تواند براساس درسهای آموخته شده از اتحادهای نظامی فعلی و گذشته که به همین دلایل به وجود آمده‌اند باشد.

موفق‌ترین نمونه این اتحادها ناتو است که در آوریل ۱۹۴۹ توسط کشورهای اروپای غربی و کشورهای مستقل آمریکای شمالی به عنوان یک اتحاد امنیت جمعی تشکیل گشته و علیه تهدید مشترک آنها که اتحاد شوروی تلقی می‌شد جهتگیری شد. پیمان ورشو سال ۱۹۵۵ توسط اتحاد شوروی در واکنش به این اقدام ایجاد شد. این پیمان کشورهایهایی را که اتحاد شوروی فتح کرده بود و کشورهایهایی را که از نظر نظامی به این کشور وابسته بودند در برمی‌گرفت. به غیر از خود شوروی، بقیه اعضای آن پیمان اقمار شوروی بوده و کشورهای غیر کمونیست که اتحاد شوروی محسوب نمی‌شدند مانند یوگسلاوی (تحت حکومت تیتو) یا آلبانی (به رهبری هکسا) به آن ملحق نشدند. واضح است که اعضا و ناظرین سازمان همکاری شانگهای تناسبی با این الگو ندارند. تفاوت نوع حکومت‌های ۱۰ کشور عضو و ۵ کشور ناظر این سازمان، حاکی از این است که باید الگوی دیگری را برای کسب بینش در مورد چگونگی نقش آینده اتحاد نظامی این سازمان به کار برد. من پیشنهاد می‌کنم خود ناتو الگوی مناسبی ارائه دهد چرا که حوادث تاریخی آن دید روشنی در این مورد می‌دهد که اتحاد شانگهای چه نقشی می‌تواند برای ایران داشته باشد.

البته تفاوت‌های اساسی بسیاری میان ناتو و اتحاد نظامی سازمان همکاری شانگهای وجود خواهد داشت؛ و مهمترین آنها این است که ناتو به عنوان یک اتحاد نظامی صرف آغاز به کار کرد و پس از پایان جنگ سرد که دشمن خارجی آن از بین رفت، خود را به سوی یک جامعه

امنیت دسته‌جمعی پیش برد. برعکس، سازمان شانگهای به عنوان یک جامعه امنیت دسته‌جمعی تأسیس شد که می‌تواند برنامه خود را عوض کرده و تبدیل یک اتحاد نظامی شود. تاکنون کشورهای عضو سازمان رزمایش‌هایی به طور دوجانبه یا چندجانبه برپا کرده‌اند. این حوادث ظاهراً در حال منظم‌تر و دقیق‌تر شدن است. در نشست وزرای دفاع سازمان همکاری شانگهای در آوریل ۲۰۰۶ بر سر رزمایش‌های نظامی بزرگ آینده در چارچوب سازمان مذکور توافق شد. این مانورها قرار است در سال ۲۰۰۷ اجرا گردند.<sup>(۲۱)</sup> اتحاد نظامی شانگهای، مانند ناتو از کشورهای مستقلی تشکیل خواهد شد که بسیاری از آنها (مانند ایران) مدافعین ملی‌گرای پرشور و حرارت حقوق ویژه خود، درخصوص تعیین آزادانه سیاست خود در مناطق حساس می‌باشند. فرانسه نیز (مانند ایران) در اولین سال‌های تشکیل ناتو همین‌گونه بود (و در واقع تاکنون همین‌گونه باقی مانده است) به این جهت، این کشور درس خوبی درمورد آنچه ممکن است برای ایران پیش آید و آنچه می‌تواند منجر به پشیمانی آن از عضویت در اتحاد نظامی آینده شانگهای گردد می‌دهد. فرانسه از همان آغاز کار به ناتو پیوست اما خیلی زود از چیزی که می‌دید یک تصمیم‌گیری انحصاری دو نفره از سوی ایالات متحده و بریتانیا - دو قدرت نظامی برتر (و تنها قدرت هسته‌ای آن زمان) این اتحاد - است، ناخشنود گشت. در سال ۱۹۴۹ فرانسه کشوری ضعیف و در حال بهبود از جنگ جهانی دوم بود که کمک‌های بازسازی فراوان "طرح مارشال" از سوی ایالات متحده بودجه آن را تأمین می‌کرد. این کشور با مشاهده آشوبها (اکثر کمونیستی) از سرتاسر امپراتوری ماورای دریای آن، و همین‌طور از جانب آلمان، دچار هراس شد؛ و بدون تردید برای پیوستن به ناتو از فرصت استفاده کرد. فرانسه توسعه تکنولوژی‌های مختلف، به ویژه تکنولوژی هسته‌ای، را فعالانه تعقیب کرد تا به موقعیت جهانی خود و حق رأی برابر بارده اول در ناتو دست یابد. اما این محاسبات اشتباه از آب درآمد. فرانسه به ریاست جمهوری ژنرال دوگل اولین سلاح هسته‌ای خود را در سال ۱۹۶۰ آزمایش کرد اما تا سال ۱۹۶۶ هنوز آمریکا و انگلیس این کشور را یک قدرت رده دوم در ناتو می‌دانستند. ژنرال دوگل در زمان جنگ سرد، طی اقدامی

غیر قابل پیش بینی، خیلی سریع کشورش را از ساختار نظامی اصلی ناتو بیرون کشید و در سال ۱۹۶۶ همه نیروهای خارجی مستقر در فرانسه را از این کشور بیرون راند. (۲۲)

اکنون در سال ۲۰۰۶، ایران یک کشور در حال توسعه صنعتی سریع با استفاده از بودجه حاصل از صادرات نفت و پتروشیمی خود (نوعی طرح مارشال داخلی)، با همان معماها و تهدیدهای خارجی روبروست. سؤال اینجاست که در صورت تحقق یک اتحاد نظامی شانگهای آیا روسیه و چین تصمیم‌گیریهای برنامه آن را به خود انحصار نمی‌دهند، یا آیا ایران به عنوان ستون سوم این اتحاد می‌تواند بطور مؤثری بین این دو قدرت نظامی بزرگ چنان مانور دهد که برآوردن نیازهای امنیتی آن را تضمین کنند؟ آیا قابلیت‌های تکنولوژیکی بیشتر ضرورتاً حق رأی بیشتری را در این اتحاد تقویض می‌کند؟ چنین اتفاقی در ناتو پس از سال ۱۹۶۰ برای فرانسه نیافتاد. اینها پرسش‌هایی در مورد آینده است که وزارت خارجه و مقامات امنیتی ایران باید مورد بررسی قرار دهند. عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای مزایایی نیز برای این کشور در بر خواهد داشت. با این کار قطب سومی به این جامعه امنیتی افزوده می‌گردد. ایران شریک تازه واردی خواهد بود که احتمالاً با اظهار لطف و رضایت روبرو خواهد شد زیرا در موقعیت میانجیگری در مورد اختلافات اجتناب‌ناپذیر دو قطب روسیه و چین قرار دارد. این کشور یقیناً دارای پتانسیلی بسیار بیشتر از هر کشور آسیای مرکزی برای ایفای این نقش است، و برخی از نویسندگان غربی معتقدند که سازمان همکاری شانگهای بدون چنین واسطه‌ای، به خاطر "اصطکاکهای ذاتیش" محکوم به شکست است. این کشور باید در جلب اعتماد میان دیگر اعضای سازمان کوشا باشد تا آنها را مطمئن سازد که واقعاً مصمم است کارایی این جامعه امنیتی را ببینند. نکته دیگر این است که عضویت در چنین سازمانهایی غالباً در نهایت با ارتقاء شناخت و اعتماد میان اعضای آن، منطق خاص خود را ایجاد می‌کند. مثلاً، اگرچه تاکنون همکاری رسمی ایران با روسیه همواره مأموریتی بوده اما بی‌اعتمادی بسیار زیادی از سوی دو طرف بر این همکاری حاکم بوده است. این مشکلی همیشگی بر سر راه ارتقاء روابط بهتر میان این دو کشور

می‌باشد. عضویت در سازمان شانگهای برای ایران، علاوه بر دستیابی به ساختارهای قانونی جدید و کانال‌های میانجیگری‌ای که روابطی صلح‌آمیز در پایه توافقاتنامه‌های به امضاء رسیده را میان آنها تضمین می‌کند، آغاز مذاکراتی دائمی را میسر می‌سازد. این ظرفیت اعتمادسازی میان اعضاء ویژگی مشترک چنین سازمانهای منطقدهای جامع و جوامع امنیتی است.

### یادداشت‌ها:

1. Compareti, Matteo (2003), "The Last Sassanians", Eurasian Studies, Vol. 2, No. 2, pp. 197-213.
2. The SCO's precursor, know as the "Shanghai Five" (1996) included Russia, China, Tajikistan, Kyrgystan, and Kazakhstan was simply a forum where outstanding border disputes were talked through.
3. Website of the Shanghai Cooperation Organization, (<http://www.sectSCO.org/>), accessed 16 August 2006.
4. China's Xinhua news agency reported on April 15 2006 that Iran had been invited to join the Shanghai Cooperation Organization. See Website Times (UK) online- "Iran in Talks to Join Alliance". <http://www.timesonline.co.uk/article/0..13509-2228233,00.html> (accessed 16 June 2006).
5. Stephen Blank (2005), "The Shanghai Cooperative (sic) Organization: Post-Mortem or Prophecy", CLF Quarterly: the Journal of the China- Eurasia Forum, special edition, July 2005, pp. 16.
6. Michael Mihalka (2001), "Comparative Security: From Theory to Practice", The Marshall Centre Papers, No. 3, April 2001, pp. 29.
7. Richard cohen (2001), coperative Security: New Horizons for International Order, The Marshall Centre Papers, No. 3, April 2001, pp.5.
8. Ibd., pp. 6.

9. Xing Guangcheng (2002), "The Shanghai Cooperation Organization in the Fight Against, Terrorism, Extremism and Separatism in Central Asia and the Caucasus", *Journal of Social and Political Studies*, Vol. 16, no. 4.
10. Farkhad Topolic (2005), "East vs West? Some Geopolitical Questions and Observations for the SCO", *CEF Quarterly: the Journal of the China- Eurasia forum*, special edition, July 2005, pp. 21.
11. Fredrick W. Stakelbeck Jr. (2006), "The Shanghai Cooperation Organization", *Front Page. Magazine.com*, 8 August 2006, accessible via <http://www.frontpagemagazine.com/Articles/Printable.asp?ID=19041>.
12. Topolic, Farkhad (2005), "East vs West? Some Geopolitical Questions and Observations for the SCO", *CEF Quarterly: the Journal of the China- Eurasia Forum*, special edition, July 2005, pp. 22.
13. Zhao Huasheng (2005), "The SCO in the Last Year", *CEF Quarterly: the Journal of the China- Eurasia Forum*, special edition, July 2005. pp. 10.
14. Lionel Beehner (2006), "The Rise of the Shanghai cooperation Organization", *Website of the Council on Foreign Relations*, 12 June 2006. Quoting from Kaveh Afrasiabi in the *Asia Times*. Article accessible via [http://www.cfr.org/publication/10883/rise\\_of\\_the\\_Shanghai\\_Cooperation\\_Organization.html](http://www.cfr.org/publication/10883/rise_of_the_Shanghai_Cooperation_Organization.html).
15. It remains to be seen if there will be any enduring tension in Iranian Foreign Policy circles in the same manner as exists in Moscow between "Atlanticists".
16. Dmitri Trenin (2005), "Russia and the Shanghai Cooperation Organization: A Difficult Match", *CEF Quarterly: the Journal of the China- Eurasia forum*, special edition, July 2005, pp. 26.  
Available online via <http://www.chinaeurasia.org>.
17. However, there is a possibility that a strong policy plank of any post- Bush administration, either Republican or Democrat, will be a committed effort to rebuild

America's almost exhausted reservoir of soft power via broadly more pragmatic foreign policy, something will dissipate perceptions of threat from America by regional governments and thus reduce the motivation to actively pursue development of military alliance where the common threat is America.

18. Matthew Oresman, Zamir Charginov (2005), "The Shanghai Cooperation Summit: Where Do We Go From Here?", CEF Quarterly: the Journal of the China- Eurasia Forum, special edition, July 2005, pp. 6.

19. See for example paragraph 6 of the China- Russia Joint Communiqué, 3 July 2005: "The two sides believe that the international situation is currently undergoing complex and profound changes. More and more countries agree with the idea of democratizing international relations, (and) the move towards multipolarity in the layout of the world.." Paragraph 9 continues "... the Shanghai Cooperation Organization has become an important factor in establishing a just and rational new international political and economic order".

20 White, Alexander (2005), "Guiding the Near Abroad- Russia and the Shanghai Cooperation Organization", CEF Quarterly: the Journal of the China- Eurasia Forum, special edition, July 2005, pp. 29.

21. Wikipedia online encyclopedia entry for the Shanghai Cooperation Organization. Accessed 12 August 2006, <http://www.wikipedia.com>.

22. France has always remained a member of NATO's political apparatus.